

موسیقی ایرانی
در شعر سایه

مهدی فیروزیان

سرشناسه: فیروزیان حاجی، مهدی، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور: موسیقی ایرانی در شعر سایه / مهدی فیروزیان
مشخصات نشر: تهران: هنر موسیقی، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۲۶۲ ص، ۱۵،۵×۲۱،۵ س.م.
فروست: سایه و موسیقی: ۱
شابک: ۹-۳-۹۱۱۲۷-۶۰۰-۹۷۸-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه
یادداشت: نمایه
موضوع: ابتهاج، هوشنگ، ۱۳۰۶ -- نقد و تفسیر
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع: Persian poetry -- 20th century -- History and criticism
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۸۶۴ ی ۳ ب / PIR ۷۹۴۳
رده بندی دیویی: ۸۱/۶۲۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۱۴۴۸۴

موسیقی ایرانی در شعر سایه، سایه و موسیقی (۱)
مؤلف: مهدی فیروزیان (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)
مدیر اجرایی: مژگان زرین نقش
مدیر هنری: سعید فروتن؛ استودیو مرکزی
طراح گرافیک: امیرمهدی مصلحی
ناشر: هنر موسیقی
چاپ: آرتا
توبت چاپ: دوم، ۱۳۹۷
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۲۵ هزار تومان
© حق چاپ برای ناشر محفوظ است.
تلفن انتشارات و مرکز پخش: ۴۴۲۶۳۴۴۴ (۰۲۱)

فهرست

پیش‌درآمد	۷
سال‌شمار	۱۱
درآمد	۱۹
فرهنگ بسامدی واژه‌های موسیقایی	۳۱
۱. شیوه‌نامه	۳۳
۲. متن فرهنگ	۳۷
۳. واژه‌های در پیوند با موسیقی	۱۵۱
ایهام‌های موسیقایی	۱۶۷
۱. ایهام و دومعنایی	۱۷۱
۲. ایهام تناسب	۱۷۸
۱-۲. اعلام موسیقایی	۱۸۲
۲-۲. سازها	۱۸۹
۲-۳. دستگاه‌ها	۱۹۳
۲-۴. گوشه‌ها	۱۹۵
۲-۵. واژه‌ها و اصطلاحات دیگر	۲۰۴
نمایه حوزه‌های معنایی	۲۱۷
نمایه سروده‌های سایه	۲۳۱
کتابنامه	۲۴۹
نمایه	۲۵۵

درآمد

امیرهوشنگ ابتهجاج متخلص به سایه از شاعران بزرگ تاریخ زبان و ادب پارسی است که بر همه اسلوب‌های سخن و زبان چیرگی دارد و در قالب‌های غزل، نیمایی، چهارپاره، مثنوی، دوبیتی، رباعی و قطعه سخن‌سرایی کرده است. گزیده‌گویی شیوه همیشگی او بوده است و از این‌رو شمار شعرهای او در سنجش با بسیاری از شاعران بزرگ دیگر اندک می‌نماید. در سه کتاب سیاه‌مشق، تاسیان و بانگ نی که در بردارنده همه سروده‌های سایه‌اند^۱ ۲۴۲۸ بیت (در قالب‌های کهن یا چهارپاره و آزاد امروزی) و ۶۵ شعر نیمایی آمده است. با این‌همه، شکوه و شگرفی زبان و پندار و اندیشه شعر او را از برجسته‌ترین شعرهای روزگار کرده است؛ به‌گونه‌ای که هم در غزل، که بسیاری آن را قالب اصلی شاعری وی می‌دانند، و هم در قالب‌های دیگر سخنش اثرگذاری گسترده داشته و در یادها جاودانه و بر زبان‌ها روانه شده است.

۱. همان‌گونه که در سال‌شمار می‌بینید سایه دفترهای شعر گوناگونی به چاپ رسانده است؛ اما او سرانجام بر آن شد که همه سروده‌های خود را در سه دفتر گرد آورد. سیاه‌مشق را ویژه قالب‌های کهن کرد و شعرهای نو، نیمایی و چهارپاره را در تاسیان به چاپ رساند (البته یک تک‌بیت، یک غزل و یک قطعه دو بیتی هم در این کتاب آمده است). بانگ نی نیز منظومه‌ای جداگانه است. شماری از سروده‌های دفترهای پیشین (از جمله چند شعر سپید) و سراسر دفتر نخستین نغمه‌ها (سروده سال‌های نوجوانی شاعر) که سایه آن‌ها را نماینده هنر راستین خود نمی‌شمارد و خوش نمی‌داند که آن‌ها را در شمار سروده‌های او بگذارند، از سه دفتر نام‌برده کنار نهاده شده‌اند. برای آگاهی از چند و چون کار سایه در آزمودن قالب‌های گوناگون و شمار شعرها و بیت‌های او در هر قالب به «نمایه سروده‌های سایه» در همین کتاب بنگرید.

(موسیقی ایرانی در شعر سایه)

سایه در جوانی چندی نوشتن شعر منثور (نام برآورده به شعر سپید) را هم آزمود؛ ولی بسیار زود آن را رها کرد و آن نوشته‌ها را در سال‌های پختگی از مجموعه شعرهای خود کنار نهاد. شفیع کدکنی، در این باره می‌نویسد:

از شاعران برجسته معاصر کسی که قبل از ۱۳۳۲ کوششی برای شعر منثور کرده است یکی ه. ا. سایه است که خود در یادداشتی درباره آن‌ها گوید قطعاتی که در این کتاب با علامت ستاره مشخص شده است (یعنی شعرهای منثور کتاب) آزمایشی است در شعر و خواننده می‌تواند هر نامی که بخواهد بر آن بگذارد. لحن تقلید شعر خارجی، به خصوص ترجمه‌هایی که از شعر ناظم حکمت در آن سال‌ها انتشار می‌یافت، در این قطعات ه. ا. سایه کاملاً آشکار است و شاعری به مانند او که در زمینه‌های فنی شعر قدیم و اسالیب سخن قدمایی در هم‌نسلانش بی‌همانند بوده است، در این گونه شعرها به تقلید از همان لحن ترجمه، مجبور شده است تغییراتی در ساختمان جمله و اجزای کلام ایجاد کند (موسیقی شعر، ص ۲۵۴).

او افزون بر شعر، ترانه‌هایی انگشت‌شمار اما اثرگذار سروده است. «سرگشته» یا «تو ای پری کجایی» (آهنگ‌ساز: همایون خرم، خواننده: حسین قوامی) و «سپیده» یا «ایران ای سرای امید» (آهنگ‌ساز: محمدرضا لطفی، خواننده: محمدرضا شجریان) از نامدارترین کارهای او در این زمینه‌اند که در جاهای دیگر آن دو را بررسی‌ایم (این ترانه بوی نان نمی‌دهد، ص ۹۱-۸۶؛ «به ترنم و ترانه ۲»، ص ۳۴۱-۳۳۶).

هرچند نوشتن سال‌شمار آغاز کتاب، که در بردارنده نمایی کوتاه از رویدادهای گوناگون کار و زندگی هنری و خانوادگی سایه است، تا اندازه‌ای ما را از پرداختن به زندگی‌نامه او بی‌نیاز می‌کند، افزودنی است که موسیقی همواره در خانواده سایه جایگاهی ویژه داشته است. پدر او، میرزا آقاخان در جوانی تار می‌نواخته و خواهر کوچکش، رفیعه، گذشته از فراگیری ویلن نزد مجید وفادار، آوازی نیکو داشته و در یک فیلم سینمایی آهنگی دوصدایی را همراه داریوش رفیعی خوانده است (پیر پرتیان‌اندیش، ج ۱، ص ۲۲). سایه خود از نوجوانی، نخست نزد رئیس ارکستر شهر و سپس نزد بیرواند مارتیروسیان، مشق ویلن کرد؛ اما با شکسته شدن ناخواسته سازش بسیار زود دست از نوازندگی کشید. او در رشت خواندن گوشه‌های دستگاه ماهر را از نقاشی به نام حسین، فراگرفت و در سال‌های پس از آن با شنیدن ردیف، سراسر ردیف‌های آوازی و سازی را آموخت.

۱. ما نیز که بنیاد کار را بر بررسی سه کتاب شعر یادشده از سایه نهادیم، آن‌ها را در شمار سروده‌های او نمی‌آوریم.

درآمد

سایه موسیقی‌شناسی آگاه است و گذشته از همنشینی با برترین موسیقی‌دانان معاصر و آرشیوداری و ضبط خصوصی موسیقی، خود در زمینه آهنگ‌سازی، خوانندگی و موسیقی‌پژوهی آزموده‌هایی دارد (نک: «سایه و موسیقی»، ص ۹-۷). او شعرهای خود را همراه با خواندن آواز می‌سراید و در موسیقی شعر خود درنگ می‌کند. از همین‌روست که آهنگ‌سازان و خوانندگان، سروده‌هایش را برای ساختن تصنیف و خواندن آواز می‌پسندند. نگارنده در دو جستار («به ترنم و ترانه ۲»، ص ۳۳۵-۳۲۷؛ «به ترنم و ترانه ۵»، ص ۴۵۹-۴۳۱) به شناساندن بیش از ۲۰۰ اثر موسیقایی که با شعر سایه پدید آمده پرداخته است.

او شش سال (۱۳۵۷-۱۳۵۱) در رادیو سرپرست برنامه‌های موسیقی (دو سال نخست تنها برنامه گل‌های تازه و سپس کل موسیقی رادیو) بود. رضا سیدحسینی، که پیشنهاد بهره‌گیری رادیو از دانش و توان سایه را به رضا قطبی (رئیس رادیو و تلویزیون ملی ایران) داده بود، از «دقت شگفت‌آور و نکته‌سنجی او در راهنمایی خواننده و ارکستر» سخن گفته است («سایه»، دقیق و نکته‌سنج»، ص ۶۴) و فریدون شهبازیان، که از نزدیک‌ترین همکاران موسیقی‌دان سایه در آن سال‌ها بود، می‌گوید:

شناخت عمیق و گسترده‌ای که آقای ابتهاج از موسیقی داشتند سبب شد که قضاوت‌های بسیار درستی در خصوص موسیقی بکنند. علاوه بر این، شخصیت ایشان سبب شد که کارهای تقریباً ناممکن در رادیو ممکن شود («سایه ناممکن‌ها را ممکن کرد»، ص ۸۴).

سایه با پایه‌گذاری گروه‌های «شیدا» (به سرپرستی محمدرضا لطفی) و «عارف» (به سرپرستی پرویز مشکاتیان و حسین علیزاده) که پس از کناره‌گیری از کار در رادیو پدیدآورنده کانون «چاووش» شدند، زمینه‌ساز دگرگونی شگرفی در موسیقی ایرانی شد. دگرگونی‌ای که از «بازگشت به خویشتن» و شناخت ریشه‌ها آغاز شد و به «نوآوری» و شاخ و برگ گستردن در هوای امروز رسید.

آنچه پیش‌روی دارید بخش نخست از طرح پژوهشی «سایه و موسیقی» است که بخش‌های پنج‌گانه آن چنین نام‌گذاری شده‌اند:

۱. موسیقی ایرانی در شعر سایه.
۲. شعر سایه در موسیقی ایرانی.
۳. گل‌های تازه.
۴. گلچین هفته.
۵. ترانه‌سرایی سایه.

(موسیقی ایرانی در شعر سایه)

نگارنده امیدوار است پس از این دفتر، چهار بخش دیگر را، که کار پژوهش درباره آن‌ها کمابیش به انجام رسیده است، پیشکش دوستداران ادبیات و موسیقی کند. انگیزه نگارش این کتاب و سودی که می‌تواند داشت، شناخت بیشتر و بهتر سایه و شعر اوست. سایه‌ای که در شمار اندک سخنوران روزگار ماست که هنوز شعرش بر زبان‌ها روان است و پیر و جوان دست‌کم لخت‌هایی از آن را به یاد سپرده‌اند. با گزارش بسیار کوتاه و فشرده‌ای که از کار و زندگی سایه به دست دادیم روشن شد که موسیقی در زندگی سایه جایگاهی والا داشته است. او شیفته موسیقی، همنشین خنیاگران بزرگ و بی‌مانند روزگار، موسیقی‌شناس، ترانه‌سرا و از مدیران اثرگذار در زمینه هنر موسیقی بوده است. کتاب پیش‌رو در نگاه نخست گزیده‌ای موضوعی است از سروده‌های سایه که با نگاه کمینه‌گرای امروزیان در گزینش شعر سازگاری دارد. شیوه گزینش تک‌بیت یا تک‌لخت در کتاب‌های گزیده شعر و بیش از آن در فضای مجازی، روایی بسیار دارد.

می‌دانیم که فرهنگ‌ها، از کتاب‌های مرجع‌اند و خواندنی نیستند. در فرهنگ‌ها پس از معنی کردن واژه‌ها یک یا دو نمونه کاربرد آن‌ها را از متن‌های گوناگون می‌آورند؛ اما از آنجاکه فرهنگ ما بسامدی و ویژه شعر یک شاعر است در آن همه سروده‌های سایه که در بردارنده واژه‌ها و اصطلاحات و کنایات ویژه هنر موسیقی‌اند یک‌جا گردآوری و دسته‌بندی شده‌اند. بیشتر نمونه‌ها بیت‌هایی با معنی جداگانه‌اند (هرچند در یافت شعر به هرروی پیوندی با پیش و پس دارند). از همین‌روی خواندن سراسر فرهنگ هم برای دوستداران شعر و موسیقی دلپذیر خواهد بود. برای گروهی که نگاهی جستجوگر دارند در این فرهنگ امکان سنجش کاربردهای گوناگون یک واژه موسیقایی در شعرهای سایه فراهم آمده است؛ برای نمونه خواننده می‌تواند زیر مدخل «نی» ببیند که سایه در درازنای هفتاد سال سخنوری چگونه و با چه زبان، تصویر، نگاه و اندیشه‌ای درباره این ساز کهن سخن گفته است.

افزون آنکه معنی کردن واژه‌های موسیقایی، گونه‌ای شرح و گزارش شعرهای موسیقایی و گره‌گشایی شمرده می‌شود. سایه شاعر همین روزگار است و مانند برخی شاعران کهن چون خاقانی شروانی گرایش به بهره‌گیری گسترده از اصطلاحات تخصصی و دشوار ندارد؛ اما باز هم در برخی نمونه‌ها مانند «بال کبوتر»، «صفیر»، «نوروز عجم» و... گزارش واژه‌ها برای بسیاری از خوانندگان شایسته و حتی بایسته است. گذشته از این، ما با شناساندن کاربردهای ایهامی در دل فرهنگ، خوانندگان را متوجه معنای دوگانه بسیاری از واژه‌ها (و چه بسا بیت‌ها) کرده‌ایم. در واژه‌هایی چون «بی‌راه»، «حزین»، «دمساز»، «ساز»، «عشاق»، «گفتن»، «گوشمال دادن» و... که در نگاه نخست شاید تک‌معنایی بنمایند، با برجسته‌سازی ما معانی ایهامی نیز فرادید می‌آیند.

از دیگر سودمندی‌های این فرهنگ، که آن را از فرهنگ‌های عمومی زبان پارسی جدا می‌کند، این می‌تواند باشد که در فرهنگ‌های عمومی، اشاره‌ای به کاربردهای شخصی یا ترکیب‌سازی، کنایه‌سازی و مجازآفرینی شاعران و نویسندگان نمی‌شود؛ ولی ما سازگار با ساختار فرهنگی که دربارهٔ یک شاعر پدید آمده بر نمونه‌هایی چون «زدن» (در معنی فعل لازم برای ساز ناقوس)، «تپیدن» (به کنایه در معنی «نواخته شدن» برای طبل و سازهای کوبه‌ای)، «شیون» (به مجاز دربارهٔ «آوای بلند موسیقایی» برای شیپور)، «ناله‌پرداز» (در معنی «به نوا درآورنده») و... انگشت نهاده‌ایم.

یکی دیگر از ویژگی‌های فرهنگ خاص این است که می‌توان در آن به واژه‌هایی مرکب که آمدنشان در فرهنگ عمومی بایسته نیست، پرداخت؛ برای نمونه «زه‌گسسته» که در فرهنگ ما آمده مدخلی جدا در لغت‌نامهٔ دهخدا، فرهنگ فارسی معین یا فرهنگ بزرگ سخن نیست و نیازی هم نیست که باشد؛ زیرا خواننده با دیدن معنی «زه» و «گسستن» در دو مدخل جداگانه خود به معنی آن واژهٔ مرکب پی خواهد برد.

اگر از دید پژوهشی بدین فرهنگ بنگریم آن را بخشی از طرح بزرگ «فرهنگ واژه‌های شعر سایه» و طرح بزرگ‌تر «فرهنگ واژه‌های موسیقایی ادب پارسی» می‌یابیم. به‌انجام رسیدن یا رساندن طرح دوم از آرزوهای نگارنده است که تا کنون با بررسی و گردآوری واژه‌های موسیقایی شاهنامه و دیوان خاقانی گامی چند در راه رسیدن به آن برداشته است. بررسی دیوان هر شاعر می‌تواند شماری نمونهٔ شعری یا حتی مدخل را به پیکرهٔ آن فرهنگ بزرگ بیفزاید. تنها کار بنیادینی که در این زمینه به‌انجام رسیده گردآوری واژه‌نامهٔ موسیقی ایران‌زمین به کوشش هنرمند گرانمایه، مهدی ستایشگر است که هرچند نیازمند بازبینی است در سال‌های گذشته تنها آبشخور دانشجویان بوده است. شماری از واژه‌های فرهنگ ما، از جمله همان «زه‌گسسته» یا «خوش‌سخن»، «های و هی» و... در کتاب یادشده دیده نمی‌شود.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد بنیاد کار ما بر سه دفتر سیاه‌مشق، تاسیان و بانگ نی نهاده شده و هرگاه از «سراسر سروده‌های سایه» سخن گفته‌ایم خواستمان شعرهای همین سه دفتر بوده است. او بسیاری از سروده‌های خود را هرگز به دست چاپ نسپرد و نمی‌سپارد و بسیاری از سروده‌های چاپ‌شدهٔ روزگار جوانی‌اش را بازچاپ نمی‌کند؛ زیرا می‌کوشد بهترین کارهایی را که کرده است به‌نمایش بگذارد. شعرهایی که او از سه دفتر نام‌برده کنار نهاده است، جز آنکه او خود دیگر چاپ آن‌ها را نمی‌پسندد، نمایندهٔ راستین هنر او نیستند. از همین رو ما در پژوهش خود آن سروده‌ها و سراسر دفتر شعر نخستین نغمه‌ها (دربردارندهٔ سروده‌های سایه در میانهٔ سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ یعنی ۱۵ تا ۱۸ سالگی او) را نادیده گرفته‌ایم. گزینش نام نخستین نغمه‌ها نشان می‌دهد که سایه از همان سال‌های نوجوانی و در گام‌های آغازین خود در راه شعر به موسیقی

[موسیقی ایرانی در شعر سایه]

نگاهی ویژه داشته است. برای آگاهی خوانندگان می‌گوییم که در دفتر یادشده غزلی با نام «او» هست که در چند بیت آن واژه‌های موسیقایی دیده می‌شود^۱:

این چه آهنگی ست کامشب می‌زنی ای چنگ‌زن
 پرده برگردان و آهنگی دگر بر چنگ‌زن
 داغم امشب تازه‌تر کردی، خدا را رحم کن
 کم دگر بر تار و بود قلبم امشب چنگ‌زن
 ناله من در غم تو، ناله تو از کجاست؟
 من تو را خواهم ولی تو گو چه خواهی چنگ‌زن...
 در چمنزاران پیر، لبخند زن، فریاد کن

هرچه می‌خواهی بکن، آواز خوان، آهنگ زن (نخستین نغمه‌ها، ص ۵۲)

بخش دیگر کتابی که در دست دارید ویژه بررسی ایهام‌های موسیقایی شعر سایه است. در آن بخش خوانندگان از ایهام تناسب‌های گوناگونی که در شعر سایه آمده است آگاه می‌شوند و گذشته از به دست آوردن آگاهی‌هایی در زمینه هنر موسیقی و شناخت دانش موسیقایی سایه، به لایه‌های دیگری از باریک‌بینی‌ها و نکته‌سنجی‌های او در گزینش واژه‌ها و سرودن شعر پی می‌برند. واژه‌های سازنده ایهام تناسب از یک دیدگاه بر دو دسته‌اند؛ برخی از آن‌ها در فرهنگ واژه‌های موسیقایی شعر سایه آمده‌اند و برخی هرگز در شعر او به معنی موسیقایی کاربرد نیافته‌اند.

۱. اگر از واژه‌های دارای ایهام و واژه‌های در پیوند با آوای پرندگان بگذریم، سایه در چند بیت دیگر هم واژه‌های ویژه هنر موسیقی را به‌کار گرفته است:

مطرب بخوان ز دفتر سایه ترانه‌ای

ساقی بیار باده گلگون که درکشم (نخستین نغمه‌ها، ص ۸)

من خبر دارم از آن کز غم شیرین‌دهنی‌ست

تو چه دانی که به صد شور چه می‌نالد نای (همان، ص ۱۹)

آید از هر طرف آوای خوش

گوییا نغمه چنگ است و ریاب (همان، ص ۲۵)

سایه پابسته عشق تو شد از عقل برست

وز خموشی به دوصد شور و نوا باز آمد (همان، ص ۲۹)

دستی به چنگ می‌زد و پا می‌کوفت

خوش می‌سرود و شوری دیگر داشت (همان، ص ۵۵)

چو نای نالد و نباشد این عجب

که شوری اندر افکند نوای او (همان، ص ۷۵)

به هرروی واژه‌های هر دو گونه یادشده در بخش ایهام تناسب با معنی غیرموسیقایی به شعر سایه راه یافته‌اند و با معنی حاضر یا غایب واژه‌های دیگر تناسب ساخته‌اند. برای آسان‌تر شدن کار پژوهشگران و برای آنکه خوانندگان گرامی چشم‌انداز روشن‌تری از سروده‌های سایه و همهٔ واژه‌های موسیقایی کاربردیافته در سروده‌های او داشته باشند، در فرجام «نمایهٔ حوزه‌های معنایی» و «نمایهٔ سروده‌های سایه» را سامان داده‌ایم. نکتهٔ درخور یادکرد دیگر اینکه نگارنده سال‌هاست بخت آشنایی نزدیک و همنشینی با سایه را داشته و همهٔ شعرهای سایه را بارها بر او خوانده است. از این‌رو با آگاهی از دیدگاه او دربارهٔ همهٔ نمونه‌های کاربرد راستین یا ایهامی موسیقایی واژه‌ها و شناخت دانش گستردهٔ او در زمینهٔ موسیقی دست به نگارش کتاب پیش‌رو زده است. می‌توان گفت سایه بیشتر کاربردهای ایهامی و ایهام تناسب‌های یادشده را آگاهانه به‌کار برده است. به‌یاد دارم روزی یکی از دانشجویان رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی پایان‌نامهٔ خود را، که دربارهٔ شعر سایه نوشته بود، برای وی آورد. سایه با دیدن برداشت‌های آن دانشجو از سخنان خود، شگفت‌زده شد و بسیاری از برداشت‌های او را بی‌پایه و زادهٔ پنداروی یا لغزش آشکار دانست. خوشبختانه نگارنده به‌یاری راهنمایی‌های شاعر از چنین کاستی و لغزشی برکنار مانده است. البته سنجهٔ ما خود متن و معنایی که از آن برمی‌آید بوده است؛ ولی آگاهی از خواست شاعر هم، در جایگاه نشانه‌ای برای سنجیدن دوری یا نزدیکی برداشت نگارنده از سخن شاعر، در راه پژوهش به‌یاری وی آمده است. کوشیده‌ایم با میانه‌روی، هم خواست و گسترهٔ دیدگاه شاعر و هم برداشتی را که خواننده، بی‌هیچ آگاهی از دیدگاه شاعر، از متن خواهد داشت پیش چشم بیاوریم و گزارشی خردپسند از سروده‌های او (چه در معنی راستین و چه در معنی ایهامی) به‌دست دهیم.

در فرجام کار، بیش و پیش از هر کس می‌باید از استاد هوشنگ ابتهاج سپاسگزاری کنم که سال‌هاست این دوستدار و شاگرد کوچک را در سایهٔ مهر خویش پذیرفته است. از نوجوانی دوستدار شعر سایه بوده‌ام و زیر نخستین نقدی که به خیال خام خود دربارهٔ شعر او نوشته‌ام (و خوشبختانه چاپ نشده است) تاریخ آبان‌ماه ۱۳۷۶ دیده می‌شود؛ اما پس از آشنایی با این مرد بزرگ دریچه‌ای دیگر از هستی و مستی بر من گشوده شد که شیفتگی‌ام را هزارچندان کرد. سخنوری را دیدم و شناختم که شعر پارسی و به‌ویژه ظرایف و ظرفیت‌های موسیقایی آن را بیش از همهٔ کسانی که تا امروز دیده‌ام می‌شناسد. شاعری که دلی دریایی دارد. انسان و جهان و پیمان را پاس می‌دارد. مردی که سراپا راستی و آزادی و نیکخواهی است. در این سال‌ها دولت‌سرای او برای من پناهگاه و پیوند جان‌خسته و گسسته از دوگانگی‌ها و درگیری‌های درون و پلیدی‌ها و پلشتی‌های بیرون بوده است. امیدوارم دست‌آورد تلاش نگارنده، که در نود سالگی استاد به چاپ سپرده می‌شود، بتواند بخشی بسیار اندک از وام بزرگی را که او برگردن من و ما

[موسیقی ایرانی در شعر سایه]

دارد بگزارد. اگر در دفتر پیش‌رو و چهار دفتر سپسین، خوبی و سودی هست همه از اوست و اگر کاستی و ناراستی‌ای باشد (که هست) همه از من است.

یار یگانه دکتر محمد افشین‌وفایی همچون همیشه با دید و دانش فراگیر خویش پشتیبان و یاری‌رسان نگارنده بوده است.

مدیر مسئول گرامی انتشارات هنر موسیقی، جناب آقای مهدی ستایشگر، و مدیر اجرایی نشر، بانو مزگان زرین‌نقش، در چاپ کتاب از هیچ‌گونه همکاری دریغ نوزیدند. گفتنی است جناب ستایشگر سال‌ها پیش با بررسی سیاه‌مشق سایه و بیرون کشیدن ۴۶ بیت نمونه که در آن‌ها واژه‌ها و اصطلاحات موسیقی به‌کار رفته (نام‌نامه موسیقی ایران زمین، ص ۲۱-۱۹) نخستین‌گام را در شناخت واژه‌های موسیقی شعر سایه برداشته است.

هنرمندان خوش‌نگار آقایان سعید فروتن و امیرمهدی مصلحی با نیک‌بینی و باریک‌بینی زیبایی‌شناسانه خود کتاب را به شیوه‌ای چشم‌نواز آراسته‌اند.

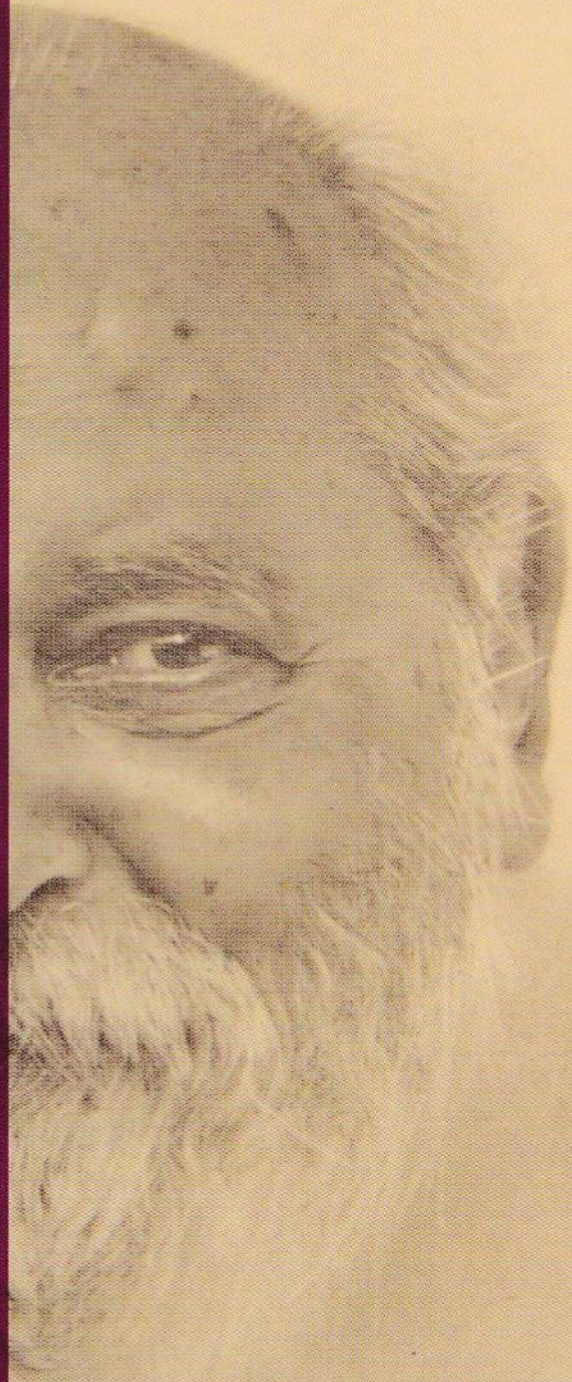
دوستان دانشمند و مهربان، آقایان سعید لیان و مهدی کمالی در بخش نگارش فرهنگ مرا از راهنمایی‌ها و گره‌گشایی‌هایشان بهره‌مند کردند. از همه ارجمندان نام‌برده بسیار سپاسگزارم.

مهدی فیروزیان

تهران، امیرآباد شمالی- ۲۹ آذر ۱۳۹۶

امیرهوشنگ ابتهاج (سایه) شاعر و ترانه‌سرای بلندآوازه، موسیقی‌شناسی آگاه است و یکی از اثرگذارترین مدیران موسیقی ایرانی در تاریخ رادیو شمرده می‌شود. او گذشته از همنشینی با برترین موسیقی‌دانان معاصر و آرشبوداری و ضبط خصوصی موسیقی، در زمینه آهنگ‌سازی، خوانندگی و موسیقی‌پژوهی آمده‌هایی دارد. در این کتاب، که بخش نخست از طرح پژوهشی پنج‌جلدی «سایه و موسیقی» است، اثرگذاری موسیقی ایرانی در سروده‌های سایه بررسی شده است.

کتاب دارای دو بخش اصلی است. یکی فرهنگ بسامدی واژه‌های موسیقایی است که دربردارنده همه نمونه‌های کاربرد واژه‌های موسیقایی در شعر سایه است و آن را از دیدی گلچین شعر او می‌توان دانست و از دیدی دیگر گونه‌های گزارش شعرهای موسیقایی شمرده می‌شود. بخش دیگر کتاب ویژه بررسی ابهام‌های موسیقایی است و در آن خوانندگان گذشته از به‌دست آوردن آگاهی‌هایی در زمینه هنر موسیقی، به لایه‌هایی دیگر از باریک‌بینی‌های سایه در گزینش واژه‌ها و آرایه‌پردازی ابهامی پی می‌برند.



ISBN-13: 978-600-91127-3-9



9 786009 112739

